

بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه کوتاه بینی مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام

مهنا محمدی

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
mohannaaa.mohammadi@gmail.com

چکیده

مدیران شرکت‌ها انگیزه دارند تا عملکرد مالی خود را با به تأخیر انداختن اخبار بد و افشای سریع‌تر اخبار خوب بیش از واقع نشان دهند به امید آن که عملکرد ضعیف آن‌ها با عملکردهای بهتر در آینده پوشیده شود. چنین رفتاری از مدیران در پژوهش‌های تجربی تأیید شده است. بدین ترتیب، هدف این پژوهش بررسی رابطه کوتاه‌بینی مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام با تأثیر نقش نوع اظهارنظر حسابرس است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک و نمونه مورد مطالعه، شامل ۸۵ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نظر ارتباط بین متغیرها ترکیبی از علی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون و داده‌های تابلویی و مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه نشان داد نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام در سطح خطای ۵ درصد تأثیر منفی و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: خطر سقوط قیمت سهام، نوع اظهارنظر حسابرس، کوتاه‌بینی مدیریتی.

مقدمه

مدیران شرکت‌ها انگیزه دارند تا عملکرد مالی خود را با به تأخیر انداختن اخبار بد و افشای سریع‌تر اخبار خوب بیش از واقع نشان دهند به امید آن که عملکرد ضعیف آن‌ها با عملکردهای بهتر در آینده پوشیده شود. چنین رفتاری از مدیران در پژوهش‌های تجربی تأیید شده است. مسأله قابل توجه این است که براساس پژوهش‌های حسابداری همواره مدیران واحدهای تجاری قادر خواهند بود در انجام سیاست تأخیر در انتشار اخبار بد و انباشته ساختن آن به صورت اطلاعات محرمانه حجم معینی از اخبار بد را در شرکت انباشته سازند، که این به دلیل عواملی نظیر پرهزینه بودن این سیاست و یا به‌طور کلی عدم توانایی مدیریت برای ادامه این اقدام (نظیر تغییر مدیریت واحد تجاری) می‌باشد. در نهایت با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به آن مقدار نهایی، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه‌گذاران جلوگیری نمایند. با انتشار این اخبار در بازار، سرمایه‌گذاران با اطلاعات جدید بدست آمده در باورهای پیشین خود که مبنای قیمت جاری سهام شرکت بوده تجدیدنظر کرده و انتظار خود را براساس اطلاعات جدید بنیان می‌گذارند، که این امر موجب تعدیل یکباره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد، که در ادبیات مالی از آن به‌عنوان ریزش قیمت سهام یا سقوط قیمت سهام یاد می‌شود (هاتن، ۲۰۰۹).

کوتاه‌بینی یک گرایش رفتاری در مدیران تلقی می‌شود که مدیران در قالب این سوءگیری‌ها تمایل بیشتری به برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد در دوره‌های جاری دارند و توجه کمتری به دوره‌های بلندمدت شرکت دارند. رقابت، ریسک ورود به بازار را به دلیل وجود شرایط غیرقابل پیش‌بینی و بی‌ثبات افزایش می‌دهد. همچنین اتخاذ تصمیم‌های عملیاتی در برگزیده تحمل هزینه‌های مختلف می‌باشد که در صورت چرخش شرایط اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر بودن آن‌ها موجب ریسک می‌گردد. مدیران کوتاه‌بین نسبت به فعالیت‌های خود سوءگیری یا گرایش خاص دارند و این باعث محدودیتی جدی و مهم برای توجه به گزینه‌ها و پیشنهادهای در انتخاب و تصمیم‌گیری می‌شود (رضایی و یزدی، ۱۳۹۸). کوتاه‌بینی سرمایه‌گذاران، به معنای بیش از واقع ارزیابی کردن عایدات کوتاه‌مدت و کمتر از واقع ارزیابی کردن عایدات بلندمدت توسط سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران کوتاه‌بین دارای افق دید کوتاه‌مدت در بازار سرمایه هستند، بر عملکرد کوتاه‌مدت شرکت تمرکز می‌کنند و ممکن است این رفتار آنها، برای مدیران انگیزه‌ای ایجاد کنند تا از طریق مدیریت سود و کاهش سرمایه‌گذاری، عملکرد کوتاه‌مدت شرکت را بهتر از واقع گزارش دهند که این مسئله باعث کاهش شفافیت گزارشگری و کیفیت گزارشگری مالی خواهد شد. در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران زیاد است، هزینه‌های افشا نکردن اخبار منفی و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود؛ بنابراین مدیران انگیزه پیدا می‌کنند اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن‌ها را افشا نکنند که باعث افزایش خطر سقوط قیمت سهام خواهد شد.

در جهان سراسر رقابت امروز، مشخصه اقتصاد کشورهای صنعتی، شرکت‌های بزرگی هستند که سرمایه خود را از خیل عظیم سهامداران گردآوری کرده‌اند و منابع اقتصادی را در یک کشور یا در سطح بین‌المللی کنترل می‌کنند. سهامداران برای آگاهی از چگونگی اداره سرمایه‌های خود و اطمینان از صحت عمل و کارایی مدیران، می‌توانند از صورت‌های مالی حسابرسی شده به‌عنوان یکی از مهمترین ابزار اطمینان‌بخش استفاده کنند. احتمال سوگیری در تهیه و تنظیم این صورت‌های مالی توسط هیئت مدیره، سبب شده است که نیاز به حسابرسی احساس شود (جول و همکاران، ۲۰۰۷). به بیان دیگر، با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که ممکن است مدیران از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و تصمیم‌هایی بگیرند که در جهت منافع خود و عکس منافع سهامداران باشد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در این وضعیت، حسابرس مستقل با حسابرسی و اظهارنظر خود و گواهی کیفیت صورت‌های مالی برحسب اظهارنظرهای مقبول، مشروط، مردود، عدم اظهارنظر و اظهارنظر متفاوت، سهامداران را نسبت به وضعیت صورت‌های مالی آگاه می‌کند. استفاده از حسابرس مستقل برای راست آزمایی صورت‌های مالی بسیار ضروری بوده و توجه به نظرهای حسابرس که در گزارش حسابرس مستقل درج شده، برای بررسی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد به گزارش‌های مالی از بهترین و اقتصادی‌ترین روش‌های کنترل مدیریت است که بر عملکرد و قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. با توجه به موارد بیان شده هدف اصلی پژوهش حاضر این است که تا چه اندازه نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام مؤثر است؟

مبانی نظری پژوهش

نوع اظهارنظر حسابرس

گزارش مقبول یا استاندارد

عبارتست از گزارشی که در آن بدون هیچ بند شرط نسبت به مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی اشاره شده است. زمانی که حسابرس کمیت و کیفیت شواهد حسابرسی را تأیید کند و دامنه رسیدگی را مطلوب ارزیابی نماید نسبت به صدور چنین گزارشی اقدام می‌نماید.

اظهار نظر مشروط

زمانی است که حسابرس به موارد عدم رعایت استانداردهای پذیرفته شده حسابداری برخورد می‌کند اما این تحریف یا عدم رعایت آنقدر اساسی و مهم نیست که اظهار نظر مردود نماید. در این حالت حسابرس با اضافه کردن عبارات توضیحی بیشتر در متن گزارش حسابرسی این موارد را جهت اطلاع استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بیان می‌کند.

اظهار نظر مردود

زمانی است که عدم رعایت یا تحریف استانداردهای پذیرفته شده حسابداری به گونه‌ای باشد که به طور کلی مطلوبیت ارائه را مخدوش می‌کند. بسیار بااهمیت و اساسی.

عدم اظهار نظر

زمانی است که محدودیت بسیار اساسی و بااهمیت در اجرای حسابرسی در مقابل حسابرس به وجود می‌آید (کاردان و همکاران، ۱۳۹۵).

کوتاه بینی مدیریتی

مطالعات تجربی نشان می‌دهد درباره همه خصیصه‌های شخصی مثبت مانند مهارت در رانندگی، خوش سیمابودن، طبع بذله‌گویی، خوش اندامی، امید به زندگی زیاد و نظایر آن، بیشتر افراد تمایل دارند خود را بهتر از حد متوسط ارزیابی کنند و به همین دلیل، سرمایه‌گذاران نیز تمایل دارند درباره بازارها، اقتصاد و پتانسیل‌های عملکرد مطلوب سرمایه‌گذاری، بیش از اندازه بهینه‌بین باشند (پومپیان، ۲۰۰۶). در سال‌های اخیر، مطالعات بسیاری در زمینه مالی - رفتاری انجام شده است که اذعان دارد مدیران همواره به صورت به طور کامل عقلایی رفتار نمی‌کنند و تحت تأثیر خوش بینی ممکن است تصمیم‌های غیرعقلایی اتخاذ کنند که تأثیر مهمی در فعالیت‌های مالی و سیاست‌های شرکت مانند رویه‌های حسابداری دارد. خوش بینی مدیران باعث ترکیب یا تلفیق با شرکت‌هایی می‌شود که ارزش شرکت را کاهش می‌دهد و این در حالی است که اتخاذ تصمیم اشتباه در نحوه سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و یا استفاده ناصحیح از روش‌های حسابداری هزینه‌بر است (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۸). براساس مطالعات پیشین، در برخی مواقع، خوش بینی مدیران باعث ریسک‌پذیری آن‌ها و عملکرد بهتر نسبت به سایر مدیران می‌شود. کمپل و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند خوش بینی مدیران به پیش بینی جانبدارانه مدیریت منجر شده است. در الگوی هیتون (۲۰۰۲) مدیرانی که گرایش به خوش بینی دارند، به عنوان تفکری توصیف می‌شوند که معتقدند مسائل امنیتی به طور نظام‌مند با سرمایه‌گذاران بیرونی ارزیابی خواهد شد؛ از این رو، تأمین مالی داخلی کم‌هزینه‌تر به نظر می‌رسد و شرکت‌ها از جریان وجه نقد داخلی برای تأمین مالی فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌شان استفاده خواهند کرد و این امر به یک پدیده سرمایه‌گذاری جریان نقدی منجر می‌شود. هیتون خوش بینی مدیران ارشد را به تصمیم‌گیری مالی ارتباط می‌دهد و انتظار دارد مدیران خوش بین کمتر از آنچه در الگوهای مالی رفتاری سنتی برایشان در نظر گرفته شده است، عقلایی رفتار کنند. آن‌ها معتقدند پروژه‌های در دست اقدام شرکت‌ها از آنچه در واقع هستند، بهترند و در این موارد، خواست مدیران بازگشت بیشتر از انتظار این پروژه‌ها نسبت به ارزش واقعی‌شان است. دشماخ و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند مدیران خوش بین در مقایسه با سایر مدیران، تمایل کمتری به پرداخت سود تقسیمی دارند. هوانگ و همکاران (۲۰۱۰) رابطه هزینه نمایندگی، خوش بینی بیش از حد مدیران و حساسیت جریان‌های نقدی را بررسی کردند و دریافتند هزینه نمایندگی و خوش بینی بیش از حد مدیران در حساسیت جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری، تأثیر معنادار و مثبتی دارد. بومن (۲۰۰۹) معتقد است بازار به تغییرات سود سهامی که مدیران خوش بین اعلام کرده‌اند واکنش

مثبت‌تری نشان می‌دهد تا آنچه مدیران منطقی اعلام کرده‌اند (بومن، ۲۰۰۹). باروس و سیلویرا (۲۰۰۸) در مطالعات خود مشاهده کردند شرکت‌هایی که افراد خوش‌بین، آن‌ها را اداره می‌کنند، تمایل بیشتری به انتخاب ساختارهای مالی اهرمی‌تر از خود نشان می‌دهند.

خطر سقوط قیمت سهام

محققان وقوع سقوط بازار سهام را در نتیجه افزایش طولانی قیمت سهام در یک اقتصاد خوش‌بینانه بیان می‌کنند، وقتی که نسبت قیمت به سود هر سهم سهام بالاتر از میانگین بلندمدت آن است و سهامداران برای خرید سهام به‌طور شدید از اهرم بدهی استفاده می‌کنند. گاهی کاهش دو رقمه شاخص بازار سهام در یک دوره میان‌مدت چند روزه را سقوط بازار سهام می‌نامند که البته این تعریف، نمی‌تواند تعریف کمی دقیقی از ریزش بازار سهام باشد. بازار افتان اغلب نمایی از دوره‌های کاهش قیمت بازار سهام در طی چند سال یا چند ماه را نشان می‌دهد و سقوط بازار سهام هرچند در یک بازار افتان به وقوع می‌پیوندد ولی در صورت لزوم این دو به جای هم به کار نمی‌روند (برای مثال سقوط بازار سهام در سال ۱۹۸۷) منجر به ایجاد یک بازار افتان نشد و یا بازار نیکی ژاپن در سال ۱۹۹۰ چند سال بازار افتان را تجربه می‌کرد در حالی که هرگز سقوط بازاری در آن به وقوع نپیوست (صالح آبادی و دلیرین، ۱۳۹۰).

تعریف

کاهش ناگهانی قیمت سهام در بخش‌های مهم و تأثیرگذار بازار سهام را سقوط یا ریزش بازار سهام می‌گویند. سقوط بازار در واقع پدیده‌ای اجتماعی است که رخدادهای بیرونی اقتصادی با رفتار جمعی و روانشناسی ترکیب شده و در یک چرخه متناوب شکل می‌گیرد. اگر تنها دلیل قیمت پایین امروز این است که قیمت فردا پایین می‌آید، در صورت عدم تغییر در ارزش ذاتی باید منتظر ریزش بازار بود (فتاحی، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش

آقاجانی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر دستکاری جریان نقد عملیاتی برخطر سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق بیانگر این است که دستکاری جریان نقد عملیاتی بر خطر سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مستقیم و معناداری دارد. با افزایش دستکاری جریان نقد عملیاتی، ابهام اطلاعاتی شرکت افزایش یافته و به نوعی اخبار بد پیرامون شرکت پنهان می‌باید که این امر سبب افزایش خطر سقوط قیمت سهام در آینده را افزایش می‌دهد. حشمتی اصل و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر میزان قدرت مدیرعامل بر خطر سقوط ارزش سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق بیانگر این است که، طبق فرضیه اول بین قدرت ساختاری مدیر عامل و خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و طبق فرضیه دوم بین قدرت تجربی مدیر عامل و خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و طبق فرضیه سوم بین قدرت مالکیتی مدیر عامل و خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و طبق فرضیه چهارم بین قدرت شخصیتی مدیر عامل و خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه خطر سقوط قیمت سهام، آشفتگی مالی و بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج نشان داد بین آشفتگی مالی و بازده سهام رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین نقدشوندگی سهام در رابطه خطر سقوط قیمت سهام و بازده سهام نقش تعدیلی مثبت داشته است.

صادقی و اسماعیلزاده (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر خطر سقوط قیمت سهام با نقش تعدیل گر کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج این مدل نشان داد که کیفیت اقلام تعهدی به عنوان متغیر تعدیل گر بر رابطه قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر 0.575 می‌باشد. به این معنی است که متغیرهای مستقل مدل تحقیق می‌تواند 0.575 در از واریانس‌های متغیر وابسته خطر سقوط قیمت سهام را توضیح دهد.

حیدرانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه اظهارنظر حسابرس و مدیریت ریسک با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند نتایج بدست آمده نشان داد که بین اظهارنظر حسابرس و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین مدیریت ریسک و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هی و رن (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محدودیت مالی بر خطر سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان داد که محدودیت در تأمین مالی با سقوط قیمت سهام در دوره آتی مرتبط است. همچنین آن‌ها برای دستیابی به نتایج قوی‌تر، عواملی همچون اقلام تعهدی اختیاری و اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که تأثیر محدودیت مالی بر خطر سقوط قیمت سهام در شرکت‌های با اقلام تعهدی اختیاری بالا بیشتر است. همچنین شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی داشتند، در دوره آتی با سقوط قیمت سهام مواجه می‌شوند.

حبیب و حسن (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ارزشیابی بیش از حد سهام بر رابطه بین استراتژی تجاری و خطر سقوط قیمت سهام پرداختند و بیان کردند که شرکت‌هایی که استراتژی نوآورانه را دنبال می‌کنند، بیشتر در معرض خطر سقوط قیمت سهام هستند.

روبین و زانگ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تخصص حسابرس در صنعت بر خطر سقوط قیمت سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند حسابرسان با کیفیت بالا به دلیل واسطه اطلاعاتی و نقش حاکمیت شرکتی رابطه منفی و معناداری با خطر سقوط قیمت سهام دارند. همچنین حسابرسان با کیفیت بالا به طور مستقیمی می‌تواند به نفع سرمایه‌گذاران موجب کاهش خطر سقوط قیمت سهام شود. علاوه بر این نشان دادند که تداوم انتخاب حسابرس رابطه منفی و معناداری با خطر سقوط قیمت سهام دارد.

لی و ژانگ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تهدیدات بازار محصول بر خطر سقوط قیمت سهام پرداختند و نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که با تهدیدهای زیادی مواجه هستند، در معرض سقوط سهام قرار دارند. همچنین نتایج پیشنهاد می‌کند که رقابت ممکن است به طور معکوس، بازار مالی را از طریق افزایش احتمال سقوط قیمت سهام تحت تأثیر قرار دهد.

دیمیتربوس و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی کیفیت حسابداری محافظه‌کارانه از اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام پرداختند و نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی و خطر سقوط قیمت سهام در آینده رابطه منفی وجود دارد. علاوه بر این نشان دادند که سطح محافظه‌کاری غیرشرطی در رابطه بین

محافظه کاری شرطی و خطر سقوط قیمت سهام در آینده تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر نشان دادند، ویژگی‌های حسابرسی به‌نظر نمی‌رسد به توانایی پیش‌بینی خطر سقوط قیمت سهام کمک کند.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به‌منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش، فرضیه ذیل ارائه می‌گردد. نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

الگوی پژوهش

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چندمتغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است:
معادله (۱):

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_{it} + \beta_2 MI_{it} + \beta_3 OP*MI_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در معادله‌های فوق به ترتیب:

R_{it} : شاخص خطر سقوط قیمت سهام شرکت i در سال t ؛

OP : شاخص نوع اظهارنظر حسابرس شرکت i در سال t ؛

MI : شاخص کوتاه‌بینی مدیریتی شرکت i در سال t ؛

$SIZE$: شاخص اندازه شرکت i در سال t ؛

LEV : شاخص اهرم مالی شرکت i در سال t ؛

نحوه اندازه‌گیری متغیرها به‌شرح زیر است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
نوع اظهارنظر حسابرس	تعدیل‌گر	متغیر موهومی و نشان دهنده نوع گزارش حسابرس برای شرکت i در سال t است. اگر گزارش حسابرس غیرمقبول باشد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.
کوتاه‌بینی مدیریتی	مستقل	در صورتی که مدیریت کوتاه بین باشد برابر با متغیر مجازی یک و در غیر این صورت برابر با عدد صفر
خطر سقوط قیمت سهام	وابسته	اگر در سال-شرکت مورد نظر بازده محاسبه شده، کمتر از میانگین باشد، یک، یعنی خطر ریزش قیمت سهام وجود دارد، و اگر بیشتر باشد، صفر، یعنی خطر ریزش قیمت سهام وجود ندارد
اندازه شرکت	کنترلی	\ln (تعداد سهام \times قیمت سهام)
اهرم مالی	کنترلی	تقسیم ارزش بدهی‌های جاری بر کل دارایی‌ها

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش

های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که بالغ بر ۷۱۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۵۲ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
نوع اظهارنظر حسابرس	OP	۵۹۵	۰/۳۲۴	۰/۳۰۷	۰/۱۶۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
خطر سقوط قیمت سهام	R	۵۹۵	۲/۷۴۱	۲/۵۹۳	۱/۲۵۶	۵/۴۵۵	۲/۱۱۷
کوته‌بینی مدیریتی	MI	۵۹۵	۰/۲۵۹	۰/۲۴۷	۰/۱۹۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۵۹۵	۰/۴۳۹	۰/۴۲۷	۰/۲۵۵	۲/۱۹۵	۰/۱۲۳
اندازه شرکت	SIZE	۵۹۵	۱۰/۳۰	۱۰/۲۲	۰/۷۹۶۸	۱۳/۴۴	۵/۲۹

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۷-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون چاو و آماره F لیمر استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل پژوهش	۱۱/۱۳۰	۰/۰۰۰۰	H ₀ رد می‌شود

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چای دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چای دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرضیه H₀ مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	۲۵/۷۵۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون H₀ بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد H₀ رد و استفاده از مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل پژوهش به ترتیب (۲۵/۷۵۸) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، لذا H₀ رد می‌شود. رد H₀ نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

فرضیه پژوهش

نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.
مدل رگرسیونی برای فرضیه به‌شرح زیر است:

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_{it} + \beta_2 MI_{it} + \beta_3 OP*MI_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از آزمون به‌شرح جدول (۵) زیر می‌باشد:

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۶۳۸	۰/۲۱۹	۲/۹۱۴	۰/۰۰۰۰
نوع اظهارنظر حسابرس	β_1 (OP)	۰/۶۸۵	۰/۲۷۳	۲/۵۰۴	۰/۰۰۰۱
کوتاه‌بینی مدیریتی	β_2 (MI)	۰/۷۸۴	۰/۲۴۰	۳/۲۵۵	۰/۰۰۰۰
نوع اظهارنظر*کوتاه‌بینی مدیریتی	β_3 (OP*MI)	۰/۵۶۶	۰/۱۹۳	۲/۹۳۳	۰/۰۰۱۰
اندازه شرکت	β_4 (SIZE)	-۰/۱۴۳	۰/۰۵۷	-۲/۴۹۸	۰/۰۰۰۷
اهرم مالی	β_5 (LEV)	۰/۲۷۹	۰/۰۸۰	۳/۴۷۶	۰/۰۰۰۰
آماره F		۱۰/۷۸۹			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۰۰			
ضریب تعیین (R ²)		۰/۵۶۴			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR ²)		۰/۵۴۰			

با توجه به نتایج آزمون مدل پژوهش، سطح معناداری آماره $F (0/000)$ کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون ($1/900$) در فاصله بین $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می‌دهد نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد، بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_4 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت اندازه شرکت با خطر سقوط قیمت سهام رابطه منفی و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_5 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر اهرم مالی با خطر سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۵۴ درصد از متغیرهای متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه‌گیری کلی

هدف پژوهش بررسی رابطه کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام با تأثیر نقش نوع اظهارنظر حسابرس شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ می‌باشد. تأثیر متغیرها با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت‌ها بررسی شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریتی و خطر سقوط قیمت سهام در سطح خطای ۵ درصد تأثیر منفی و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود حسابرس مستقل با حسابرسی و اظهارنظر خود و گواهی کیفیت صورت‌های مالی برحسب اظهارنظرهای مقبول، مشروط، مردود، عدم اظهارنظر و اظهارنظر متفاوت، سهامداران را نسبت به وضعیت صورت‌های مالی آگاه می‌کند. استفاده از حسابرس مستقل برای راست آزمایی صورت‌های مالی بسیار ضروری بوده و توجه به نظرهای حسابرس که در گزارش حسابرس مستقل درج شده، برای بررسی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد به گزارش‌های مالی از بهترین و اقتصادی‌ترین روش‌های کنترل مدیریت است که بر عملکرد و قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

منابع

- ✓ آقاجانی، وحدت، افشاری، رقیه، اسدی شیشه گران، عیسی، (۱۴۰۱)، بررسی تاثیر دستکاری جریان نقد عملیاتی برخطر سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله کنکاش مدیریت و حسابداری، دوره ۴، صص ۶۸-۸۵.
- ✓ احمدی، محمدرمضان، درسه، صابر، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره هشتم، شماره سوم، صص ۷۵-۹۸.
- ✓ احمدی، محمدرمضان، قلمبر، محمدحسین، درسه، سیدصابر، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس بر خطر سقوط آتی قیمت سهام، فصلنامه بررسی‌های حسابداری، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۳۷-۵۹.
- ✓ اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.

- ✓ بادآورنده‌ی، یونس، تقی‌زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۶)، تأثیر پرداخت سود سهام و عدم انتشار اخبار بد بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی، فصلنامه علمی- پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره اول، صص ۱۹-۴۰.
- ✓ برادران حسن‌زاده، رسول، تقی‌زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر استراتژی متنوع‌سازی شرکتی بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر هزینه‌های نمایندگی، فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حسابداری، دوره ۹، شماره اول، صص ۶۳-۹۰.
- ✓ بهرام‌فر، نقی، (۱۳۹۱)، رابطه بین سود هر سهم، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، صص ۲۴۷-۲۶۹.
- ✓ پشوتنی‌زاده، هومن، رعنائی کردشولی، حبیب‌اله، عباسی، عباس، موسوی حقیقی، محمدحاشم، (۱۳۹۹)، شبیه‌سازی الگوی تأثیرات عوامل رفتاری و کلان اقتصادی بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از رویکرد پویایی شناسی سیستمی، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت مالی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص ۸۹-۱۲۴.
- ✓ ترکی، لیلا، واعظ، محمد، (۱۳۸۹)، حباب قیمت‌ها و بازار سرمایه ایران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۳۱، شماره سوم، صص ۲۹-۵۳.
- ✓ تقی‌زاده خانقاه، وحید، طالب‌نیا، قدرت‌اله، (۱۳۹۷)، تأثیر سررسید بدهی در خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی، فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ششم، شماره سوم، صص ۸۷-۱۰۴.
- ✓ جعفری، احسان، (۱۳۸۷)، بررسی ارتباط جریان‌های نقدی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و شاخص بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۲۰۱-۲۱۴.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت، تهران.
- ✓ حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- ✓ حجازی، رضوان، خاتمی، سیدکمال، ابوالحسنی، علیرضا، ابراهیمی، محسن، (۱۳۹۹)، رابطه بین سقوط قیمت سهام و سهامداران نهادی پایدار و گذرا، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۸۱-۱۰۲.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، باغومیان، رافیک، (۱۳۸۵)، نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابدار، دوره ۱۷۴.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، پوریان‌سب، امیر، (۱۳۸۴)، نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکت‌های سهامی، مجله حسابدار، شماره ۱۶۵.
- ✓ حسینی، سیدعلی، مرشدی، فاطمه، (۱۳۹۸)، تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر پویایی معاملات بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۱-۲۲.
- ✓ Caramanis, C., & Lennox, C. (2008). Audit Effort and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics*, 45(1): 116-138.
- ✓ Chan, K., Kleinman, G., & Lee, P. (2009). The impact of Sarbanes- Oxley on internal control remediation. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- ✓ Chen, J., Dong, W., Han, H., & Zhou, N. (2020). Does audit partner workload compression affect audit quality?. *European Accounting Review*, 29(5): 1021-1053.
- ✓ Goodwin, J., & Wu, D. (2016). What is the Relationship between Audit Partner Busyness and Audit Quality? *Contemporary Accounting Research*, 33(1): 341-377.
- ✓ Hussin, W. N. W., Bamahros, H. M., & Shukeri, S. N. (2018). Lead engagement partner workload, partner-client tenure and audit reporting lag: Evidence from Malaysia. *Managerial Auditing Journal*, 33 (3): 246-26.

- ✓ Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". *Journal of Financial Economics*, 3 : 305–360.
- ✓ John L. Abernathy, Brooke Beyer, Adi Masli & Chad Stefaniak. (2020). The association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness, *Advances in Accounting*, Volume 30, Issue 2, December 2014, Pages 283-297.
- ✓ Kahneman, D. (1973). *Attention and Effort*. Prentice-Hall Inc., Englewood Cliffs, NJ.
- ✓ Kogilavani, A & Marjan Mohd, N. (2018). Determinants of Audit Report Lag and Corporate Governance in Malaysia , *International Journal of Business & Management*. Vol. 8 Issue 15, p151-163.
- ✓ Mohammad Rezaei, F., N. Mohd-Saleh, R. Jaffar, and M.S. Sabri. (2016). The effects of audit market liberalisation and auditor type on audit opinions: The Iranian experience. *International Journal of Auditing* 20: 87-100.
- ✓ Pritsker, A. A. B., Waiters, L. J., & Wolfe, P. M. (1969). Multiproject scheduling with limited resources: A zero-one programming approach. *Management science*, 16(1), 93-108.
- ✓ Soobaroyen, T., & Chengabroyan, C. (2006). Auditors' Perceptions of Time Budget pressure, Premature Sign Offs and Under-Reporting Of Chargeable Time: Evidence from a Developing Country. *International Journal of Auditing*, 10 (3): 201–21.
- ✓ Turel, A. (2010). Timeliness of Financial Reporting in the capital markets: Evidence from Turkey", *Journal of the School of Business Administration, Istanbul University*, 39(2), 227-240.
- ✓ Willett, C., & Page, M. (1996). A Survey of Time Budget Pressure and Irregular Auditing Practices among Newly Qualified UK Chartered Accountants. *British Accounting Review*, 28 (2): 101–120.
- ✓ Yan, H. & Xie, S. (2016). How Does Auditors' Work Stress Affect Audit Quality? Empirical Evidence from the Chinese Stock Market. *China Journal of Accounting Research*, 9(4): 305-319.
- ✓ Zhou, Y. (2015). Auditor Size and Audit Quality: A Partner-Level Perspective. (Phd Thesis), City University of New York City? *European Accounting Review*.